

شناسایی و تعیین خصوصیت سلول های بنیادین سرطانی در ملانومای بدخیم موشی

امیر دشتی^۱، مرضیه ابراهیمی^۲، جمشید حاجتی^۳، سید محمد مؤذنی^{۴*}

۱- دانشجوی دکتری تخصصی، گروه ایمنی شناسی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- استادیار، گروه سلول های بنیادین و بیولوژی تکوینی، مرکز تحقیقات سلولی، انستیتو رویان، تهران، ایران

۳- استاد، گروه ایمنی شناسی پزشکی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴- استاد، گروه ایمنی شناسی پزشکی، دانشکده علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

*آدرس نویسنده مسئول: تهران، کدپستی: ۱۴۱۷۱۳۱۱۶، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم پزشکی، گروه ایمنی شناسی

Email: moazzeni@modares.ac.ir

پذیرش مقاله: ۹۳/۰۳/۲۰

دریافت مقاله: ۹۳/۰۲/۰۶

چکیده

هدف: یافته های جدید علمی در رابطه با چگونگی تشکیل سرطان پیشنهاد می کند که سرطان ها از زیر جمعیت کوچکی از سلول ها، تحت عنوان سلول های بنیادین سرطانی یا سلول های آغاز کننده تومور حاصل می شود. سلول های بنیادین سرطانی به دلیل حضور پمپ های انتقالی ABC در سطحشان نسبت به روش های درمانی معمول سرطان مقاوم هستند؛ بنابراین باقی ماندن آن ها پس از درمان منجر به بازگشت سرطان و بروز متاستاز می شود. لذا شناسایی و تعیین هویت صحیح این سلول ها در انواع سرطان ها به منظور هدف گیری آن ها در روش های درمانی جدید، بسیار مهم و دارای اهمیت است. در این مطالعه با هدف طراحی روش ایمنی درمانی جدید برای هدف گیری سلول های بنیادین سرطانی ملانومای موشی در مرحله اول شناسایی و تعیین خصوصیات این سلول ها انجام شد.

مواد و روش ها: ابتدا تومور ملانوما توسط رده سلولی ملانومایی B16F10 در موش C57BL/6 القا شد، سپس از توده توموری با استفاده از روش هضم آنزیمی سلول های هوموژن تهیه و توسط آنتی بادی های CD24 و CD44 رنگ آمیزی و جداسازی شدند. زیر جمعیت های سلولی به دست آمده از نظر توان تولید اسفیر در محیط فاقد سرم بررسی شدند. علاوه بر این؛ توانایی القای تومور زیر جمعیت های سلولی جدا شده با تزریق سریال رقت های متفاوت از سلول های مذکور به موش C57/BL6 مطالعه شد.

نتایج: سلول های CD24⁺ به صورت معنی دار توان تولید اسفروئید بیشتری داشتند. در ارتباط با قدرت ایجاد تومور سلول های CD24⁺CD44⁺، سلول های دوگانه منفی CD24⁻CD44⁻ و سلول های ملانوما رده B16F10 واجد قدرت تقریباً برابر (یک سلول از هر ۲۱۷۳۰ سلول) بودند. این توان در مورد سلول های CD24⁺CD44⁻ یک سلول از هر ۱۷۴۲۶ سلول و در مورد سلول های دوگانه مثبت CD24⁺CD44⁺ یک سلول از هر ۱۱۲۹۵ سلول بود.

نتیجه گیری: در مجموع سلول های دوگانه مثبت (CD24⁺CD44⁺) از نظر هر دو خصوصیت تولید اسفیر و القای تومور توانمندتر بودند که می تواند نشانه خصوصیت بنیادین این سلول ها باشد. بنابراین به عنوان سلول های بنیادین ملانومای موشی شناسایی و معرفی شدند.

کلیدواژگان: سلول های بنیادین سرطانی، تومور، رده سلولی ملانومایی B16F10، شناسایی

فرضیه معمول و شناخته شده در مورد چگونگی به وجود آمدن سرطان‌ها، مطرح می‌کند که سرطان حاصل تکثیر کلونال سلول‌های تمایز یافته یا سلول‌های پیش‌سازی که جهش سرطان‌زا را کسب کرده‌اند، است. از زمانی که وجود سلول‌های بنیادین در بافت‌های مختلف بدن شناسایی شدند، این ایده مطرح شد که سلول‌های ریشه‌ای بافتی نیز می‌توانند جهش‌های سرطان‌زا را به مانند سایر سلول‌ها کسب کنند و به صورت بدخیم درآیند. از آنجایی که در بسیاری از سرطان‌ها سلول‌هایی با شاخص‌های مشابه سلول‌های بنیادین قابل شناسایی هستند و به دلیل این‌که سلول‌های بنیادین بافتی دارای عمر طولانی بوده و در طول حیات به تکثیر خود ادامه می‌دهند، در حالی‌که سلول‌های تمایز یافته معمولاً عمری کوتاه داشته و به‌وسیله سلول‌های جدید جایگزین می‌شوند؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد که سلول‌های بنیادین هدف مناسب‌تری برای تجمع جهش‌ها و در نهایت تبدیل شدن به سلول‌های بدخیم باشند به هر جهت سلول‌های بنیادینی که جهش بدخیم را کسب کرده‌اند به‌عنوان سلول‌های شروع کننده سرطان یا سلول‌های بنیادین سرطانی شناخته می‌شوند [۱]. این سلول‌ها دارای خصوصیت منحصر به فرد مقاومت به شیمی‌درمانی و مقاومت به اشعه هستند؛ بنابراین اعتقاد بر این است که در بسیاری از موارد پس از درمان سرطان‌ها، سلول‌های بنیادین سرطانی از بین نرفته و منجر به بازگشت سرطان می‌شوند. به همین دلیل به‌نظر می‌رسد مطالعاتی که در زمینه شناسایی و تعیین هویت سلول‌های بنیادین سرطانی انجام می‌گیرد نه تنها باعث شناخت بهتر محققین از این سلول‌ها می‌شود بلکه با شناسایی دقیق این سلول‌ها می‌توان به طراحی روش‌های درمانی به‌منظور هدف‌گیری آن‌ها اقدام نمود و بدین ترتیب از عود مجدد و بازگشت سرطان‌ها جلوگیری کرد [۲]. در یک بافت سرطانی انواع سلول‌ها نظیر سلول‌های بنیادی، سلول‌های تکثیر شونده موقتی، سلول‌های بالغ یا کاملاً تمایز یافته و سلول‌های مرده حضور دارند. برای اولین بار سلول‌های بنیادین سرطانی در لوکمی میلوئیدی حاد (Acute Myeloid

تعیین خصوصیت سلول‌های بنیادین ملانوما

(Leukemia: AML) شناسایی شد [۳] و نشان داده شد که این سلول‌ها توسط شاخص CD38 و CD34 قابل جداسازی هستند. در سال‌های اخیر این سلول‌ها در بسیاری از تومورهای جامد نیز شناسایی شده‌اند [۴-۱۰]. سلول‌های بنیادین سرطانی با ویژگی‌های خود همانندسازی (Self Renewal) و توانایی القای تومور و تبدیل شدن به جمعیت هتروژن سلول‌های توموری به‌صورت اولیه شناسایی می‌شوند و تاکنون یک روش شناسایی مشخص برای تشخیص سلول‌های بنیادین سرطانی معرفی نشده است [۱۱]. برای شناسایی یک سلول به‌عنوان سلول بنیادین سرطانی، این سلول باید حاوی شاخص‌های سطحی سلول‌های بنیادین طبیعی بوده، بتواند خود همانندسازی کند و توانایی القای تومور در موش‌های دارای نقص ایمنی یا همسان را دارا باشد. در حال حاضر مطالعات چندی در زمینه تعیین خصوصیات سلول‌های بنیادین ملانومای موشی (Mouse Melanoma Stem Cell) صورت گرفته است؛ اما نتایج به‌دست آمده گیج کننده بوده است [۴-۶] و در مواردی متناقض یکدیگر هستند. در این مطالعه با هدف طراحی روش ایمنی درمانی جدید برای هدف‌گیری سلول‌های بنیادین سرطانی ملانومای موشی، در مرحله اول نسبت به شناسایی و تعیین خصوصیات دقیق سلول‌های بنیادین ملانوما اقدام شد و زیر جمعیت سلولی حاوی ویژگی‌های سلول‌های بنیادین (Stem Like) از بین زیر جمعیت‌های مختلف سلولی این تومور بدخیم گزارش شد.

مواد و روش‌ها

رده سلولی ملانومایی و نژاد موشی مورد استفاده

رده سلولی ملانومایی B16F10 از انستیتو پاستور ایران خریداری شد. سلول‌های فوق در محیط کشت RPMI (Roswell Park Memorial Institute Medium) حاوی ۱۰ درصد سرم جنین گاو، ۱۰۰ میکروگرم در میلی‌لیتر استرپتومایسین، ۱۰۰ واحد در میلی‌لیتر پنی‌سیلین، در دمای ۳۷ درجه سانتی‌گراد و ۵ درصد CO₂ کشت داده شدند.

موش‌های نژاد C57BL/6 تا ۸ هفته‌ای از انستیتو پاستور ایران خریداری شدند. موش‌ها در شرایط مناسب دمایی و ۱۲ ساعت روشنایی ۱۲ ساعت تاریکی و براساس دستورالعمل دانشگاه تربیت مدرس نگهداری شدند.

القای تومور و جداسازی زیر جمعیت‌های سلولی

تشکیل دهنده تومور ملانوما

سلول‌های ملانومای کشت داده شده در فلاسک کشت سلولی با استفاده از محلول EDTA (Ethylen Diamine) جدا و ۲ بار با بافر PBS (بافر فسفات سالین: Tetra Acetic Acide Phosphate) ۵ میلی‌مولار از کف فلاسک کشت جدا و ۲ بار با بافر PBS (بافر فسفات سالین: Buffered Saline) شستشو شدند. پس از بررسی حیات، سلول‌ها به تعداد 1×10^5 در ۱۰۰ میکرولیتر بافر فسفات حل گشته و در ناحیه پهلوئی راست موش‌ها به صورت زیر جلدی تزریق شدند. موش‌ها به مدت ۸ هفته تحت نظر بودند. پس از ظهور تومور و رشد آن به اندازه کافی، برای تهیه سوسپانسیون سلولی از تومور القا شده، ابتدا موش نخاعی شده و تومور با جراحی از موضع خارج شد و با استفاده از آنزیم کلاژناز (۱ میلی‌گرم در میلی‌لیتر) (Roche، آلمان) و DNase (Roche، آلمان) (۱۵۰ میکروگرم در میلی‌لیتر) سلول‌های توموری به صورت سوسپانسیون درآمدند. سلول‌های مرده و زنده با استفاده از شیب غلظت فایکول از یکدیگر جدا شدند و سلول‌های زنده به تعداد 1×10^6 سلول در ۱۰ میلی‌لیتر بافر فسفات به صورت سوسپانسیون درآمدند. تمامی آنتی‌بادی‌های خریداری شده در این تحقیق از شرکت BD biosciences (آمریکا) خریداری شد. آنتی‌بادی CD24 (PE- conjugated, clone M1/69) و CD44 (FITC- conjugated, clone IM7) به غلظت ۱ میکروگرم در میلی‌لیتر به‌طور همزمان به سوسپانسیون سلول‌های توموری اضافه شد و به مدت ۲۰ دقیقه روی یخ انکوبه شد. سپس سلول‌ها ۲ بار شستشو شدند و بیان شاخص‌های فوق توسط فلوسیتومتری بررسی شد. به‌عنوان کنترل منفی از آنتی‌بادی‌های کنترل ایزوتایپ FITC Rat IgG2b, κ Isotype

Control clone A95-1 و PE Rat IgG2b, κ Isotype استفاده شد. برای جداسازی زیر جمعیت‌های سلولی تومور ملانوما، سوسپانسیون سلولی در ۱۰ میلی‌لیتر بافر فسفات به تعداد 1×10^6 سلول در میلی‌لیتر آماده شد و پس از رنگ‌آمیزی با آنتی‌بادی‌های CD24 و CD44 با استفاده از دستگاه جدا کننده فلوسیتومتری (FACS, Aria II (BD Biosciences، آمریکا) بر اساس حضور یا عدم حضور شاخص‌های سطحی (CD24 و CD44) زیر جمعیت‌های مختلف سلولی جداسازی شد.

ارزیابی تولید اسفیر در زیر جمعیت‌های تومور

ملانومای موشی

زیر جمعیت‌های سلولی جداسازی شده از تومور ملانوما به همراه رده سلولی ملانوما B16F10 به تعداد 1×10^3 سلول در میلی‌لیتر، در محیط کشت DMEM-F12 (Dulbecco's Modified Eagle's Medium) فاقد سرم تهیه شد. این سلول‌ها در مجاورت EGF (عامل رشد اپیدرمی: Epidermal Growth Factor) (PeproTech، آلمان) به غلظت ۲۰ نانوگرم در میلی‌لیتر، bFGF (عامل رشد فیبروبلاستی بازی: basic Fibroblast Growth Factor) (PeproTech، آلمان) با غلظت ۲۰ نانوگرم در میلی‌لیتر، به تنهایی یا هر دو عامل به صورت همزمان، همچنین در مجاورت B27 (IX) (عامل رشد سلول‌های بنیادین) (Invitrogen، آمریکا) در ۳۷ درجه سانتی‌گراد و ۵ درصد CO_2 به مدت ۱۲ روز کشت داده شدند و روزانه بررسی شدند. سلول‌هایی که توانایی تولید اسفیر داشتند به صورت تجمعات سلولی کروی شکل با اندازه بزرگ‌تر از ۱۵۰ میکرومتر که در محیط به صورت شناور بودند، مشخص شدند.

بررسی توان القای تومور توسط زیر جمعیت‌های

سلولی تومور ملانومای موشی [۶]

از زیر جمعیت‌های مختلف سلولی تومور ملانوما رقت‌های

تعیین خصوصیت سلول‌های بنیادین ملانوما

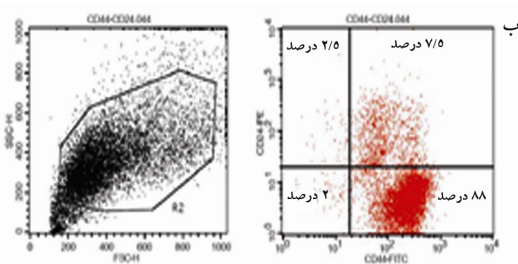
تومور از نرم‌افزار L-Cal استفاده شد.

نتایج

نتایج حاصل از کشت و بررسی شاخص‌های سطحی

در تومور ملانومای موشی

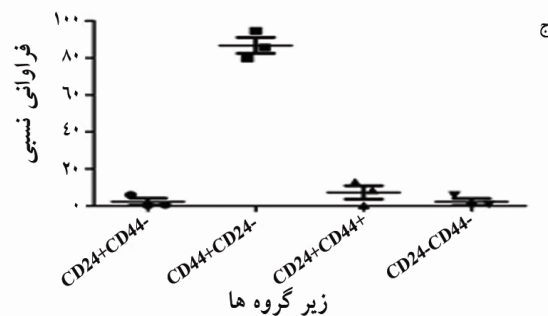
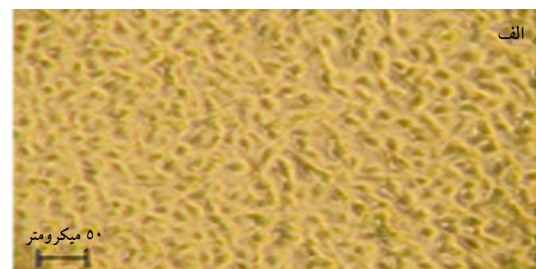
تومور ملانوما با استفاده از دودمان سلولی B16F10 (شکل ۱ الف) به صورت زیر جلدی در موش‌های C57BL/6 القا شد. پس از رشد تومور و برداشتن آن، از سلول‌ها توموری سوسپانسیون تک سلولی تهیه شد. سلول‌های تومور ملانومای موشی با دو آنتی‌بادی علیه CD44 و CD24 که به‌عنوان شاخص‌های سلول‌های بنیادین سرطانی گزارش شده بود [۵، ۷، ۸]، رنگ‌آمیزی و توسط فلوسایتومتر بررسی شدند (شکل ۱ ب). بیان شاخص‌های سطحی بر اساس دو آنتی‌بادی CD24 و CD44 مشخص شد (شکل ۱ ج).



متفاوت سلولی به تعداد 1×10^5 ، 5×10^4 ، 25×10^3 ، 10×10^3 و 5×10^3 تهیه شد و در حجم ۱۰۰ میکرولیتر به گروه‌های مختلف موش C57BL/6 (n=6) در ناحیه پهلوی سمت راست آن‌ها تزریق شد. موش‌ها به مدت ۶ ماه از نظر بروز تومور بررسی شدند و توان القای تومور در هر یک از رقت‌های فوق و هرکدام از زیر جمعیت‌ها بررسی شد. توان القای تومور در ابتدا با حضور یک برجستگی رنگ پریده در محل تزریق سلول‌ها و سپس رشد توده توموری مشخص شد.

بررسی‌های آماری

همه داده‌های تحقیق به صورت میانگین \pm انحراف معیار ارایه شده است. اختلاف بین گروه‌ها با استفاده از آزمون T-Student تجزیه و تحلیل شد. سطح معنی‌داری ۹۵ درصد در نظر گرفته شده و مقدار P (P value) کمتر از ۰/۰۵ از نظر آماری معنی‌دار تلقی شد. برای بررسی آماری آزمون القای

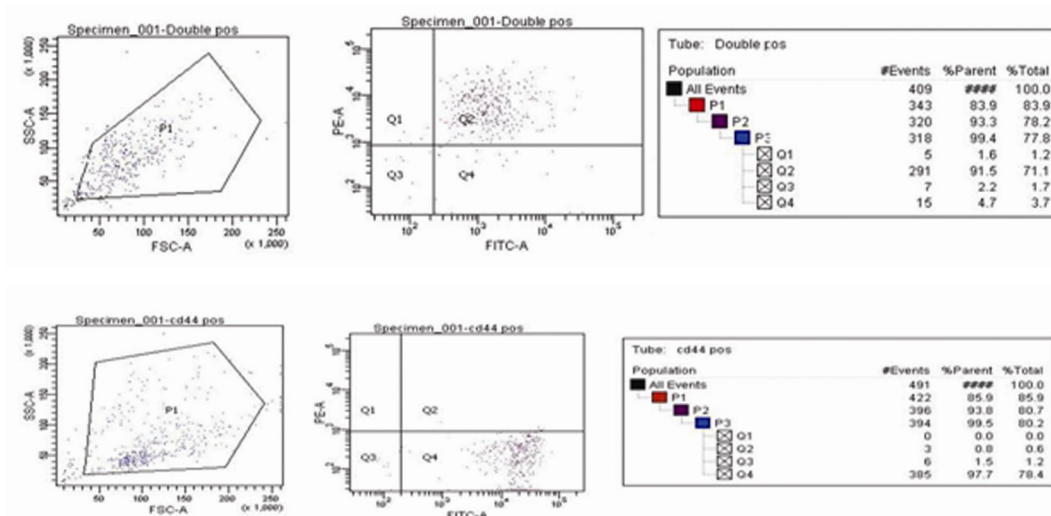


شکل ۱ بررسی خصوصیات فنوتیپی سلول‌های ملانومای موشی؛ (الف) سلول‌های ملانومای رده B16F10 در کشت سلولی، (ب) نمودار فلوسیتومتری از میزان بیان شاخص‌های سطحی بر اساس دو آنتی‌بادی CD44 و CD24 روی سلول‌های جدا شده از تومور موش: نمودار مذکور نمونه‌ای از ۳ آزمایش مستقل است. (ج) زیر جمعیت‌ها متفاوت سلولی و فراوانی نسبی آن‌ها در تومور ملانومای موشی: اغلب سلول‌های تومور ملانومای بدخیم موشی شاخص CD44 را در سطح خود بیان می‌کردند (۸۶/۷۹ \pm ۷/۴۷ درصد). سلول‌هایی که فقط شاخص CD24 را بیان می‌کردند حدود ۳/۱۵ \pm ۲/۳۱ درصد، سلول‌هایی که هر دو شاخص فوق را بیان می‌کردند ۷/۲۵ \pm ۶/۳۳ درصد و سلول‌هایی که هیچ‌کدام از شاخص‌های فوق را بیان نمی‌کردند ۲/۱۴ \pm ۳/۱۴ درصد از کل سلول‌های تومور ملانومای موشی را شامل می‌شدند.

نتایج حاصل از جداسازی زیر گروه‌های متفاوت سلول‌های ملانوما بر اساس بروز شاخص‌های CD44 و CD24

سلول‌های تومور ملانوما القا شده در موش C57BL/6 پس

از جداسازی و رنگ‌آمیزی با آنتی‌بادی علیه CD24 و CD44 توسط دستگاه فلوسیتومتری دارای جدا کننده سلول بررسی شدند و پس از بهینه‌سازی شرایط جداسازی، زیر جمعیت‌های مختلف سلولی تشکیل دهنده تومور، جداسازی شدند. خلوص سلول‌های جدا شده بیش از ۸۰ درصد بود (شکل ۲).



شکل ۲ نمودار فلوسیتومتری نشان دهنده خلوص زیر جمعیت‌های سلولی جداسازی شده پس از فرآیند جداسازی، در این شکل دو نمونه از زیر جمعیت‌های جداسازی شده به‌عنوان نمونه آورده شده است.

توان تولید اسفیر سلولی توسط زیر جمعیت‌های سلولی توموری

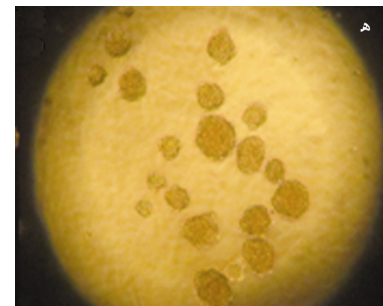
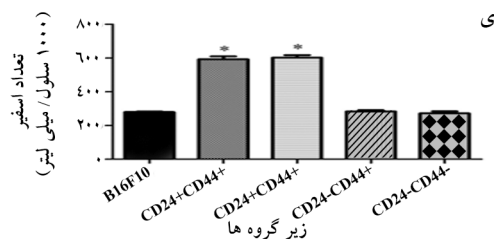
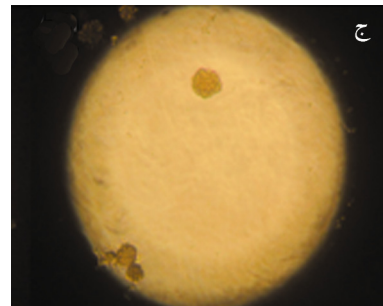
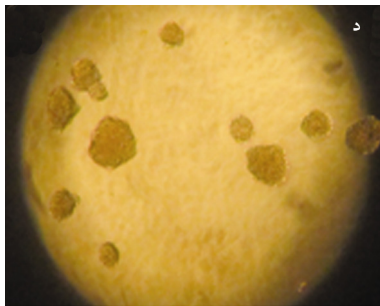
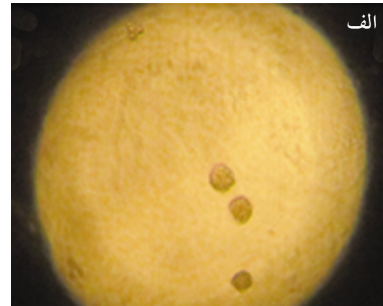
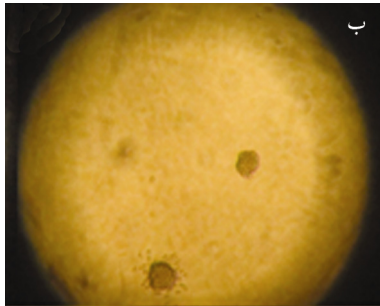
به‌منظور تعیین ظرفیت تولید اسفیر (Sphere Formation) سلولی توسط زیر جمعیت‌های مختلف سلولی جدا شده از تومور ملانوما، این زیر جمعیت‌های سلولی در محیط کشت فاقد سرم و حاوی ترکیب‌های متفاوتی از عوامل رشد سلولی کشت داده شدند. پس از گذشت ۱۲ روز، میزان تولید اسفیر سلولی توسط هر کدام از زیر جمعیت‌ها در شرایط مختلف کشت بررسی شد. تجمع‌های سلولی شناور و غیر چسبان که بیش از ۱۰ سلول در آن حضور داشتند یا تجمع‌های بزرگ‌تر از ۱۰۰ میکرومتر به‌عنوان اسفیر در نظر گرفته شدند (شکل ۳). سلول‌های جداسازی شده توموری و سلول‌های ملانوما رده

B16F10 در مجاورت EGF و bFGF توانایی تولید اسفیر نداشتند؛ اما این سلول‌ها در مجاورت B27 اسفیر تولید کردند. سلول‌های بیان کننده CD24 به‌طور معنی‌داری نسبت به سایر سلول‌ها تعداد بیشتری اسفیر تولید کردند. تفاوت تعداد اسفیرها در هر زیر جمعیت‌ها و سلول‌های ملانوما تفکیک نشده رده B16F10 به‌صورت مجزا در شکل ۴ نشان داده شده است. تعداد کل سلول‌های کشت داده شده از هر زیر جمعیت و سلول‌های ملانوما رده B16F10 ۱۰۰۰ سلول بود. از این تعداد سلول کشت داده شده، سلول‌های ملانوما رده B16F10، 280.3 ± 5.0 اسفیر (تقریباً ۲۸ درصد)، سلول‌های دوگانه مثبت $CD44^+CD24^+$ 593 ± 30.2 اسفیر (تقریباً ۵۹ درصد)، سلول‌های $CD44^-CD24^+$ 603 ± 25.36 اسفیر (تقریباً ۶۰ درصد)، سلول‌های $CD44^+CD24^-$ 283.3 ± 14.57 اسفیر

تعیین خصوصیت سلول‌های بنیادین ملانوما

به‌طور معنی‌داری اسفیرهای بیشتری نسبت به سایر زیر جمعیت‌ها و سلول‌های ملانومای تفکیک نشده ردهٔ B16F10 تولید کردند. (*: $P < 0.05$)

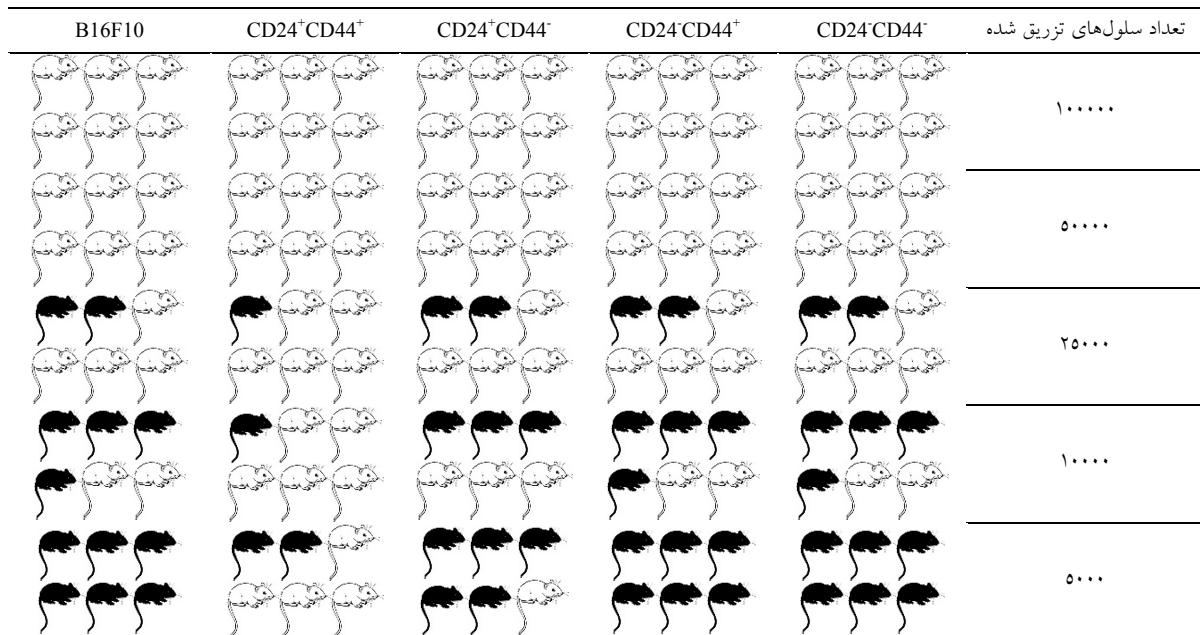
(تقریباً ۲۸ درصد) و سلول‌های دوگانه منفی $CD24^-CD44^-$ (تقریباً ۲۷ درصد) اسفیر تولید کردند. تمام زیر رده‌هایی که روی سطح خود شاخص CD24 را بیان می‌کردند



شکل ۳ اسفیرهای تولید شده در مجاورت عامل B27 توسط سلول‌های دسته‌بندی شدهٔ توموری و سلول‌های ملانوما B16F10 (بزرگنمایی: $67 \times + 40 \times$)، در روز نهم کشت؛ (الف) سلول‌های ملانوما B16F10، (ب) سلول‌های دوگانهٔ منفی $CD24^-CD44^-$ ، (ج) سلول‌های $CD24^+CD44^+$ ، (د) سلول‌های $CD24^+CD44^-$ و (ه) سلول‌های دوگانه مثبت $CD24^+CD44^+$ ، (ی) تعداد اسفیرهای تولید شده توسط ۱۰۰۰ سلول از زیر جمعیت‌های مختلف سلولی تومور ملانوما. زیر جمعیت‌های سلولی حاوی شاخص CD24 به‌طور معنی‌دار تعداد اسفیر سلولی بیشتری تولید نمودند.

ملانومای بدخیم موشی و سلول‌های اولیه ملانوما ردهٔ B16F10 برای بررسی قدرت تومورزایی آن‌ها به گروه‌های مختلف موشی C57BL/6 تزریق شدند. شکل ۴ نتایج حاصل از این بررسی را نشان می‌دهد.

نتایج به‌دست آمده از سنجش قدرت ایجاد تومور توسط زیر جمعیت‌های سلولی جداسازی شده از تومور ملانومای بدخیم موشی
تعداد متفاوتی از سلول‌های دسته‌بندی شدهٔ تومور

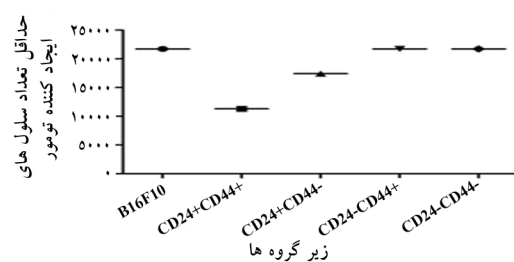


شکل ۴ نتیجه القای تومور در گروه‌های مختلف موشی؛ تعداد مختلف سلول‌هایی که هر گروه دریافت کردند و نتایج حاصل از آن. موش‌هایی که به رنگ مشکی نشان داده شده‌اند به تومور مبتلا نشدند و موش‌هایی که به رنگ سفید نشان داده شدند به تومور مبتلا شدند.

بحث

امروزه برای درمان انواع سرطان‌ها از روش‌های ترکیبی شامل جراحی، شیمی‌درمانی و اشعه‌درمانی استفاده می‌کنند. ولی با این‌که ممکن است توده توموری ظاهراً حذف شود، در عموم سرطان‌ها، یا بازگشت مجدد توده سرطانی مشاهده می‌شود یا متاستاز پیشرونده رخ می‌دهد که سلول‌های بنیادین سرطانی را عامل این مقاومت به درمان می‌دانند [۹-۱۱]. بنابراین پیشرفت سریع علم سلول‌های بنیادین سرطانی برای شناسایی این سلول‌ها بسیار اهمیت دارد. برای شناسایی و تعیین هویت سلول‌های بنیادین سرطانی در انواع تومورها می‌بایستی مجموعه‌ای از آزمایش‌ها را در کنار هم انجام داد تا این سلول‌ها به‌عنوان سلول‌های بنیادین سرطانی شناسایی شوند. استفاده از شاخص‌های موجود برای شناسایی سلول‌های بنیادین طبیعی به شناسایی سلول‌های بنیادین سرطانی در مطالعات بسیاری کمک نموده است [۱۲]. برای اولین بار بونت (Bonnet) و همکارانش نشان دادند که در لوسمی میلوییدی حاد حتی یک سلول از سلول‌های $CD34^+CD38^-$ قادر بود در

حداقل میزان سلول‌های جداسازی شده که توان تومورزایی داشتند در هر گروه بر اساس تعداد سلول‌های تزریق شده، تعداد کل موش‌های هر گروه و تعداد موش‌های مبتلا شده به تومور بررسی شد. نتایج حاصل از این بررسی در شکل ۵ نشان داده شده است.



شکل ۵ حداقل میزان سلول‌های مورد نیاز برای القای تومور در زیر جمعیت‌های مختلف ملانومای بدخیم موشی و سلول‌های ملانوما رده B16F10. پس از بررسی قدرت تومورزایی توسط نرم‌افزار L-Cal مشاهده شد که سلول‌های ملانوما رده B16F10 از هر ۲۱۷۳۰ سلول ۱ سلول قدرت ایجاد تومور، سلول‌های دوگانه مثبت $CD24^+CD44^+$ از هر ۱۱۲۹۵ سلول، سلول‌های $CD24^+CD44^-$ از هر ۱۷۴۲۶ سلول، سلول‌های $CD24^-CD44^+$ از هر ۲۱۷۳۰ سلول و همچنین سلول‌های $CD24^-CD44^-$ نیز از هر ۲۱۷۳۰ سلول یکی از آنها قدرت ایجاد تومور دارد.

تعیین خصوصیت سلول‌های بنیادین ملانوما

موش‌های دارای نقص ایمنی ایجاد لوسمی نماید [۳]. این دانشمندان سلول‌های فوق را به‌عنوان سلول‌های بنیادین سرطانی معرفی کردند. در تومورهای جامد الحاج (All-Hajj) و همکارانش از دو شاخص CD44 و CD24 برای شناسایی سلول‌های بنیادین سرطانی در سرطان پستان استفاده کردند [۷] در مورد ملانومای موشی نیز از این دو شاخص سطحی به همین منظور استفاده شده است [۵]. در مطالعه حاضر نیز از این دو شاخص برای شناسایی سلول‌های فوق استفاده شد. بدین‌منظور سلول‌های تومور ملانومای موشی با آنتی‌بادی‌های ضد CD44 و CD24 رنگ‌آمیزی شدند و بر این اساس به ۴ دسته $CD24^+CD44^+$ ، $CD24^+CD44^-$ ، $CD24^-CD44^+$ و $CD24^-CD44^-$ تقسیم شدند. از آزمایش‌های بسیار مهم در زمینه تعیین هویت سلول‌های بنیادین سرطانی ارزیابی توانایی ایجاد اسفیر در محیط کشت فاقد سرم است [۱۳] در مطالعه حاضر سلول‌هایی که دارای شاخص CD24 بودند توانایی بیشتری در تولید اسفیر داشتند. در مورد توانایی تولید اسفیر دوو (Duo) و همکاران نشان دادند که سلول‌های جداسازی شده از تومور ملانوما توانایی تولید اسفیر در حضور EGF، bFGF یا هر دو را دارند [۵] در صورتی که ژونگ (Zhong) و همکارانش نه تنها نتوانستند در حضور این دو ماده اسفیر تولید کنند، بلکه در بررسی آن‌ها در مجاورت با B27 نیز هیچ‌گونه اسفیری تولید نشده بود [۶]. در مطالعه حاضر در حضور EGF و bFGF اسفیری تولید نشد اما در مجاورت B27 اسفیر به‌وجود آمد. برای اولین بار رینولدز (Reynolds) و ویس (Weiss) نشان دادند سلول‌های عصبی که در محیط فاقد سرم حاوی EGF و bFGF و شرایط غیر چسبان به‌صورت اسفیرهای شناور در می‌آیند دارای خصوصیات سلول‌های بنیادین هستند [۱۴] که نوروسفر (Neurosphere) نامیده شدند. اکثر سلول‌های این اسفیرها نستین (Nestin) که از شاخص‌های سلول‌های بنیادین نوروایپتلیال (Neuroepithelial Stem Cell) هستند را بیان کردند. نشان داده شده است که ۴ تا ۲۰ درصد سلول‌های نوروسفر

سلول‌های بنیادین و مابقی آن سلول‌های پیش‌ساز هستند که در مراحل مختلف تمایز قرار دارند. در شرایط چسبان این سلول‌ها به نورو یا سلول‌های گلیال تمایز پیدا کردند. امروزه از این روش به‌طور وسیعی در شناسایی سلول‌های بنیادین و سلول‌های بنیادین سرطانی استفاده می‌شود [۱۵، ۱۶]. عواملی نظیر EGF باعث بیان گیرنده EGF روی سلول‌های بنیادین شده و سبب تقسیم و تکثیر آن‌ها می‌شود. مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که در شرایط کشت بدون سرم و شرایط غیر چسبان و در حضور عوامل رشدی نظیر EGF و bFGF فقط سلول‌های بنیادین و برخی از سلول‌های پیش‌ساز تکثیر می‌یابند و مابقی سلول‌ها می‌میرند [۱۷]. از دیگر عواملی که برای تولید اسفیر استفاده می‌شود عامل رشد B27 است که بسیاری از محققین برای افزایش قدرت پاساژ اسفیرها و افزایش میزان تولید اسفیر از این عامل استفاده می‌نمایند [۱۸]. در تحقیق حاضر سلول‌های بنیادین ملانوما نتوانستند در حضور EGF یا bFGF اسفیر تولید کنند و تمامی سلول‌ها در کشت از بین رفتند. با این حال در حضور B27 اسفیر تولید شد. از لحاظ تئوری استفاده از ترکیبات دارای مواد مشخص و تعیین شده این مزیت را دارد که شرایط یکسان آزمایشی برای محققین مختلف به‌وجود آورد؛ با این حال بسیاری از محققین نتایج مختلفی در استفاده از B27 برای رشد نوروها داشته‌اند. از دلایل این اختلاف می‌توان به وجود ترکیباتی نظیر آلبومین سرم گاوی یا ترانسفرین به‌صورت ناخالصی همراه با منابع زیستی اشاره کرد. این مواد طی مراحل تولید به‌عنوان عامل رشد اضافه می‌شود و به دلیل متفاوت بودن منابع و روش‌های به‌دست آوردن عوامل رشد، میزان ناخالصی‌ها نیز متفاوت است و در نتیجه روی نتایج حاصل تأثیرات متفاوتی می‌گذارد [۱۹]. یکی از علل تفاوت در مطالعه حاضر با نتایجی که ژونگ در استفاده از عامل B27 به‌دست آورد [۶] می‌تواند به دلیل همین اختلاف در منبع تهیه عامل B27 باشد. در نهایت مهم‌ترین آزمایش برای اثبات بنیادین بودن یک سلول سرطانی ارزیابی قدرت ایجاد تومور در موش‌های دارای نقص ایمنی یا همسان است

شده از تومور ملانومای موشی دارای خصوصیات بنیادین بیشتری هستند و در تحقیق حاضر به عنوان سلول‌های بنیادین ملانومای موشی در نظر گرفته شدند. برای مطالعات بیشتر پیشنهاد می‌شود از شاخص‌های سطحی دیگری مانند CD133 نیز برای شناسایی و جداسازی دقیق‌تر سلول‌های بنیادین توموری استفاده شود.

تشکر و قدردانی

این مقاله بخشی از پایان‌نامه مصوب دانشگاه تربیت مدرس بوده و بدین وسیله از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس و دانشکده علوم پزشکی کمال تشکر و قدردانی را داریم. همچنین از جناب آقای جان‌زمین کارشناس محترم بخش فلوسایتومتری انستیتو رویان قدردانی می‌نماییم.

[6] با توجه به نتایج به دست آمده از این تحقیق سلول‌های دوگانه مثبت $CD24^+CD44^+$ دارای بیشترین قدرت ایجاد تومور در موش‌های همسان بودند، نتایج به دست آمده با نتایج حاصل از تحقیق دوو کاملاً همخوانی دارد [5]. سؤال دیگری که مطرح است توانایی سلول‌های جداسازی شده دیگر به غیر از سلول‌های $CD24^+CD44^+$ در تولید اسفیر یا قدرت ایجاد تومور است. مطالعات بسیاری نشان داده است که سلول‌های بنیادین سرطانی به مانند سلول‌های بنیادین طبیعی، مخلوط با سلول‌هایی هستند که در مراحل مختلف تمایز قرار دارند که به آن‌ها سلول‌های تکثیر شونده موقتی گفته می‌شود [1]، بخشی از این سلول‌ها از لحاظ بنیادینگی نیز اگرچه متمایزتر هستند، اما هنوز خاصیت بنیادین را کاملاً از دست نداده‌اند، بنابراین می‌توانند رفتارهایی شبیه به سلول‌های بنیادین بروز دهند. در کل سلول‌های $CD24^+CD44^+$ در بین سلول‌های جداسازی

منابع

- [1] Sell S. Stem cell origin of cancer and differentiation therapy. *Crit Rev Oncol Hematol* 2004; 51(1): 1-28.
- [2] Ning N, Pan Q, Zheng F, Teitz-Tennenbaum S, Egenti M, Yet J, Li M, Ginestier C, Wicha MS, Moyer JS, Prince ME, Xu Y, Zhang XL, Huang S, Chang AE, Li Q. Cancer stem cell vaccination confers significant antitumor immunity. *Cancer Res* 2012; 72(7): 1853-64.
- [3] Bonnet D, Dick JE. Human acute myeloid leukemia is organized as a hierarchy that originates from a primitive hematopoietic cell. *Nat Med* 1997; 3(7): 730-7.
- [4] Dou J, Wen P, Hu W, Li Y, Wu Y, Liu C, Zhao F, Hu K, Wang J, Jiang C, He X, Gu N. Identifying tumor stem-like cells in mouse melanoma cell lines by analyzing the characteristics of side population cells. *Cell Biol Int* 2009; 33(8): 807-15.
- [5] Dou J, Pan M, Wen P, Li Y, Tang Q, Chu L, Zhao F, Jiang C, Hu W, Hu K, Gu N. Isolation and identification of cancer stem-like cells from murine melanoma cell lines. *Cell Mol Immunol* 2007; 4(6): 467-72.
- [6] Zhong Y, Guan K, Zhou C, Ma W, Wang D, Zhang Y, Zhang S. Cancer stem cells sustaining the growth of mouse melanoma are not rare. *Cancer Lett* 2010; 292(1): 17-23.
- [7] Al-Hajj M, Wicha MS, Benito-Hernandez A, Morrison SJ, Clarke MF. Prospective identification of tumorigenic breast cancer cells. *Proc Natl Acad Sci U S A* 2003; 100(7): 3983-8.
- [8] Fillmore C, Kuperwasser C. Human breast cancer stem cell markers CD44 and CD24:

- enriching for cells with functional properties in mice or in man? *Breast Cancer Res* 2007; 9(3): 303.
- [9] Zitvogel L, Apetoh L, Ghiringhelli F, Kroemer G. Immunological aspects of cancer chemotherapy. *Nat Rev Immunol* 2008; 8(1): 59-73.
- [10] Koch U, Krause M, Baumann M. cer stem cells at the crossroads of current cancer therapy failures--radiation oncology perspective. *Semin Cancer Biol* 2010; 20(2): 116-24.
- [11] Moserle L, Ghisi M, Amadori A, Indraccolo S. Side population and cancer stem cells: therapeutic implications. *Cancer Lett* 2010; 288(1): 1-9.
- [12] Kitamura H, Okudela K, Yazawa T, Sato H, Shimoyamada H. Cancer stem cell: implications in cancer biology and therapy with special reference to lung cancer. *Lung Cancer* 2009; 66(3): 275-81.
- [13] Pastrana E, Silva-Vargas V, Doetsch F. Eyes wide open: a critical review of sphere-formation as an assay for stem cells. *Cell Stem Cell* 2011; 8(5): 486-98.
- [14] Reynolds BA, Weiss S. Generation of neurons and astrocytes from isolated cells of the adult mammalian central nervous system. *Science* 1992; 255(5052): 1707-10.
- [15] Clevers H. The cancer stem cell: premises, promises and challenges. *Nat Med* 2011; 17(3): 313-9.
- [16] Hirschhaeuser F, Menne H, Dittfeld C, West J, Mueller-Klieser W, Kunz-Schughart LA. Multicellular tumor spheroids: an underestimated tool is catching up again. *J Biotechnol* 2010; 148(1): 3-15.
- [17] Ponti D, Costa A, Zaffaroni N, Pratesi G, Petrangolini G, Coradini D, Pilotti S, Pierotti MA, Daidone MG. Isolation and in vitro propagation of tumorigenic breast cancer cells with stem/progenitor cell properties. *Cancer Res* 2005; 65(13): 5506-11.
- [18] Gritti A, Galli R, Vescovi AL. Cultures of Stem Cells of the Central Nervous System. In: Richardson A, (Editors). *Protocols for Neural Cell Culture*. 3rd edition, Saskatchewan, Canada: Humana Press, Inc., 2001; p: 173-9.
- [19] Chen Y, Stevens B, Chang J, Milbrandt J, Barres BA, Hell JW. NS21: re-defined and modified supplement B27 for neuronal cultures. *J Neurosci Methods* 2008; 171(2): 239-47.